



موضوع: جایگاه ولایت فقیه در حکومت اسلامی

تاریخ پخش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۰

عناوین:

- ۱- حکم عقل در اکتفاکردن به عدالت، در دوران غیبت
- ۲- فصل الخطاب، نیاز ضروری جوامع بشری
- ۳- نامشروع بودن هرگونه اقدام علیه نظام مشروع دینی
- ۴- حجت بودن کلام فقیه، بدون نیاز به عصمت
- ۵- حجت کلام عالمان دین در قرآن
- ۶- عدالت، مانع بروز دیکتاتوری در ولی فقیه
- ۷- شیوه درست انتقاد از مسئولان نظام اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
«الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی»

عزیزان من امروز به عنوان معلم قرآن می‌خواهم یک بحث قرآنی و عقلی در مورد ولایت فقیه داشته باشم. ما همینطور می‌گوییم: مرگ بر ضد ولایت فقیه، یا ولایت فقیه، ولی فقیه، ولی آیا می‌توانیم یک صفحه بنویسیم این ولایت فقیه چیست. دنیا که ولایت فقیه ندارد. همه رئیس جمهور دارند. این ولایت فقیه چه بود که در ایران سبز شد؟ ریشه عقلی و قرآنی‌اش چیست؟ برکاتش چیست؟ یک خرده چند دقیقه در مورد این حرف بزنیم. شما هم چنان بحث را گوش بدهید که بتوانید مباحثه کنید. مثل من نباشید. من چند هزار ساعت در ماشین نشستم ولی چون دل ندادم هنوز رانندگی یاد نگرفتم. اگر ده بیست ساعت دل می‌دادم راننده شده بودم. شما این نیم ساعت را دل بدهید.

۱- حکم عقل در اکتفا کردن به عدالت، در دوران غیبت

پس موضوع بحث ما بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، دلیل ولایت فقیه. پاسخ چند اشکال. برکات، دلیل هم دو تا است. هم دلیل عقلی می‌خواهیم. هم دلیل قرآنی، دلیل عقلی‌اش چیست؟ یک شعر است به نظرم حفظ هستید، می‌گوید:

آب دریا را اگر نتوان کشید *** هم به قدر تشنگی باید چشید

آخوندها این را اینطور می‌گویند: «ما لا یدرک کله لا یتدرک کله» (عوالی اللالی، ج ۴، ص ۵۸) اگر دستت به همه نمی‌رسد، به بخشی که می‌رسد. اگر آدم لباس کامل نداشت و یک لباس جزئی داشت. عقل می‌گوید: حق نداری سرما بخوری. اگر دستت به لباس کامل نمی‌رسد، به همان لباسی که چند درصد تو را می‌پوشاند، بیوشان. نه، حالا که لباس کامل نیست پس من لخت هستم. عقل می‌گوید: غلط است. یک دلیل دیگر، ده سؤال در مدرسه از محصل می‌کنند. ده تا را نمی‌تواند جواب بدهد، چند سؤال را جواب می‌دهد. می‌گوید: می‌دانی ما که همه را نمی‌توانیم جواب بدهیم، پس ورقه‌های سفید را رد کنیم برود. هر بچه عاقلی می‌گوید: بالاخره تو اگر همه را هم نمی‌توانی جواب بدهی، آنچه را می‌توانی جواب بدهی، بده. اگر همه لباس‌هایت تأمین نیست، آن مقداری که داری بپوش. مهمان می‌آید، اگر خوب نمی‌توانی پذیرایی کنی، به مقداری که می‌توانی پذیرایی می‌کنی. حکومت حق خداست و پیغمبر خدا و ائمه معصوم. ما که دستمان به امام معصوم نمی‌رسد، لااقل چه چیزی به امام معصوم نزدیک است؟ نگاه کنیم چه کسی به امام معصوم نزدیک‌تر است؟ نزدیک‌ترین افراد به امام معصوم فقیه عادل بی‌هوس است. این دلیل عقلی است. عقل می‌گوید: اگر لباس کامل نیست از غیر کامل استفاده کن. اگر همه سؤال‌های امتحانی را نمی‌توانی جواب بدهی، چند تایی را که می‌توانی جواب بده. اگر پذیرایی خوب نمی‌توانی از مهمان بکنی، آن مقداری که می‌توانی. اگر دستت به امام معصوم نمی‌رسد، فقیه عادل نزدیک‌ترین فرد به امام معصوم است. این دلیل ماست. دیگر از این واضح‌تر، یک بچه ده ساله هم این را متوجه می‌شود.

۲- فصل الخطاب، نیاز ضروری جوامع بشری

مسأله‌ی دیگر ما یک ذره یک ذره هی جمع و تفریق می‌کنیم تا به ولایت فقیه برسیم. سؤال از من و جواب از شما، به عنوان مسلمان هم جواب ندهید. فرض کنید مسلمان نیستیم. چون دلیل عقلی یعنی مسلمان هم نباشد، عقل دارد. دلیل قرآنی می‌گوید: چون قرآن گفته: چشم. ما می‌خواهیم بگوییم: نه کار به قرآن هم نداریم. زندگی بشر فردی است یا اجتماعی است؟ با هم بگویید... اجتماعی است. در جامعه مدیر و رهبر و رئیس می‌خواهیم یا نه؟ می‌خواهیم. حضرت امیر می‌گوید: جامعه باید رهبر داشته باشد ولو رهبرش بد باشد. عربی‌اش را بخوانم. «لابد للناس من امیر برّ کان او فاجر» مردم امیر می‌خواهند، چه خوب باشد و چه بد باشد. این ولایت فقیه در آمریکا هم هست. ولایت فقیه یعنی یک نفر حرف آخر را بزند. در

آمریکا می‌گویند: رئیس‌جمهور حرف آخر را بزند. بعضی کشورها می‌گویند: نخست وزیر حرف آخر را بزند. بعضی کشورها می‌گویند: رئیس‌قوه قضائیه حرف آخر را بزند. در ماجرای قبل که بوش رئیس‌جمهور بود و اختلاف شد، بالاخره رئیس‌قوه قضائیه آمریکا گفت: حق با بوش است. یعنی ما وقتی اختلاف می‌شود یک نفر باید حرف آخر را بزند. زنده باد جمهوری اسلامی می‌گوید: حرف آخر را کسی بزند که مجتهد عادل است. ما از ایران در هر کشوری هم برویم، وقتی بین مسئولین اختلاف می‌شود، یکی باید حرف آخر را بزند. زنده باد جمهوری اسلامی که می‌گوید: حرف آخر را مجتهد عادل بزند. ما یک قدم از همه عاقل‌ها عاقل‌تر هستیم. عاقل‌ها می‌گویند: چون اگر یک نفر حرف آخر را نزند، اختلافات و هرج و مرج می‌شود. یکی باید حرف آخر را بزند. حالا کسی که می‌خواهد حرف آخر را بزند، چند تا... این دلیل اول که اگر به نقطه‌ی کامل نرسیم، با کمتر زندگی می‌کنیم. این حرف اول ما. اگر همه سؤال‌ها را نمی‌توانیم جواب بدهیم، آن چهار سؤال را که می‌توانیم جواب بدهیم. اگر پذیرایی کامل نشد، پذیرایی ناقص. اگر لباس کامل نداریم، آن مقدار لباسی را که داریم باید بپوشیم. نتیجه می‌شود اگر به معصوم، به امام معصوم دست ما نرسید، نزدیک‌ترین آدم به معصوم فقیه عادل است. دلیل عقلی ما همین است.

دلیل دوم، جامعه رهبر لازم دارد. در رهبرها چند شاخه می‌شود. ۱- رهبر عالم یا غیر عالم، عقل می‌گوید: عالم. عالم عادل باشد یا فاسق؟ عادل. جامعه رهبر می‌خواهد، بین رهبر عالم یا غیر عالم؟ عالم. عالم عادل یا فاسق؟ عادل. دلیل نمی‌خواهد. ما که در کشورمان واقعاً دلیل نمی‌خواهیم. چون اگر رهبری نباشد هر روز یک مصاحبه‌ای یک کسی می‌کند، یک الم شنگه به پا می‌کند.

یک تاجر بود، اهل نماز هم نبود. می‌گفت: من هیچی از اسلام را قبول ندارم. ولی ولایت فقیه را قبول دارم. نماز نمی‌خوانم و روزه هم نمی‌گیرم. ولی ولایت فقیه را قبول دارم. گفتند: چرا؟ گفت: اگر در مملکت ولایت فقیه نباشد مسئولین همه با هم شاخ به شاخ می‌شوند، مملکت متشنج شود، من نمی‌توانم تجارت کنم. وقتی مملکت امن است من با دنیا قرارداد می‌بندم. چون من پول گیرم می‌آید پس ولایت فقیه خوب است. آن هم از راه خودش می‌گفت. می‌گفت: اگر ولایت فقیه نباشد مسئولین با مصاحبه‌هایشان با موضع‌گیری‌های سیاسی‌شان مملکت را به هم می‌زنند. مملکت که به هم خورد، تشنج ایجاد شود من نمی‌توانم قرارداد امضا کنم. می‌گویند: ایران امن نیست. شما نگاه کنید وقتی صدام حکومت می‌کند. عراق ایران را می‌کشد. ایرانی‌ها هم عراقی‌ها را می‌کشند. البته به عنوان حزب بعث، شاه و صدام که کنار می‌روند، دو میلیون، ده میلیون و بیست میلیون از هم پذیرایی می‌کنند. یعنی چاقویشان تبدیل به بوسیدن کف پا می‌شود. این دلیل نمی‌خواهد.

۳- نامشروع بودن هرگونه اقدام علیه نظام مشروع دینی

مسأله‌ی دیگر ممکن است بگویند: بعضی‌ها حکومت اسلامی را قبول ندارند. با اینها چه کنیم؟ دلیل عقلی، ممکن است کسی بگوید: من نظام را قبول ندارم. ما اینجا جوابش را اینطور می‌دهیم. این نظام چند چیز است. ۱- با مخالفین چه باید کرد؟ کسی اگر گفت: من ولایت فقیه

را قبول ندارم، جوابش چیست؟ این است می‌گوییم: آیا مشروعیت دارد؟ یعنی شرعی است. یقوت مردم حضرت علی را قبول نکردند. ۲۵ سال در خانه نشست. اما حضرت علی حکومتش مشروع است. در غدیر خم پیغمبر از طرف خدا فرمود: علی ولی شماست. این مشروعیت دارد. شد؟ اگر مشروعیت دارد اکثریت هم قبول دارند. اگر هم مشروعیت دارد و هم اکثریت دارد، یک گروهی می‌خواهند قبول نکنند باید آن گروه را سرکوب کرد. مثل جنگ نهروان. مثل جنگ صفین، معاویه قبول نکرد. جنگ نهروان خوارج قبول نداشتند. مثل جنگ جمل طلحه و زبیر قبول نداشتند. بالاخره حضرت علی مشروعیت داشت؟ بله. اکثریت هم با حضرت علی بیعت کردند؟ بله. امیرالمؤمنین مشروعیت داشت چون در غدیر خم معین شد. اکثریت هم بعد از خلیفه سوم رو به حضرت علی آوردند و خلیفه چهارم شد. پس شرعی است. یعنی دینی است. مردم را هم دارد. حالا چهار گروه نهروان و صفین و خوارج و جمل می‌گویند: نه باید قلع و قمع شود. اگر یک گروهی از یک جایی بلند شوند و بگویند: قبول نداریم، باید سرکوب کرد؟ چرا؟ برای اینکه ما دو دلیل داریم. هم دین داریم. مشروعیت، هم اکثریت قبول دارند، وقتی اکثر قبول دارند...

بنده اینجا درس می‌دهم. اکثریت پای کلاس درس من می‌نشینند. یکی بگوید: آقای قرائتی من تو را قبول ندارم. حالا قبول هم نداری طوری نیست. می‌خواهم جلسه تو را به هم بزنم. بیاید در جلسه ما اینطور کند. باید با این چه کرد؟ باید گوشش را گرفت و مثل گربه بیرون انداخت. وقتی اکثریت می‌خواهند کلاس مرا گوش بدهند، تو می‌خواهی کلاس مرا به هم بزنی باید برخورد کرد. حضرت علی در غدیر خم از طرف خدا نصب شد. اکثریت هم بعد از عثمان به حضرت علی رأی دادند. پس بعد از عثمان هم اکثریت دارد، هم مشروعیت دارد. یک تیمی قبول نمی‌کنند باید سرکوب شوند. حالا اگر تیم نشدند، اکثریت قبول نکردند، هیچی مثل امام حسن مجتبی در خانه می‌نشیند. ممکن است بگویند: آقا، اکثریت ندارد. امام حسن مجتبی امام معصوم بود ولی رهبری‌اش را نپذیرفتند. مجبور شد صلح کرد. حضرت امیر ۲۵ سال در خانه نشست. اگر اکثریت نبود. چون مردم مثل نخ هستند، اگر نخ با سوزن بود، سوزن در پارچه شیرجه می‌رود. اما اگر نخ و سوزن از هم جدا شد، سوزن بیکار است. این هم یک مسأله است.

۴- حجت بودن کلام فقیه، بدون نیاز به عصمت

مسأله‌ی دیگر آیا فقیه اشتباه نمی‌کند؟ اینها را باید بلد باشید. چون در و دیوار دارند سم پاشی می‌کنند. آیا فقیه اشتباه نمی‌کند؟ باسمة تعالی چرا. مراجع تقلید اشتباه نمی‌کنند؟ باسمة تعالی چرا. معصوم چهارده نفر هستند. باقی ممکن است اشتباه کنند. خوب اگر ممکن است اشتباه کنند چرا به ما می‌گویید: اطاعت کنیم؟ آن هم یک نفر مثل ما ممکن است اشتباه کند. جواب: لطفاً با هم بگویید. آیا پزشک‌ها در قرص و آمپول اشتباه نمی‌کنند؟ چرا. ولی چون درس خوانده حرفش برای ما حجت است. معصوم نیستند ولی حرفش حجت دارد. فرق است بین عصمت و حجت. دکتر معصوم نیست. ولی حرفش حجت است. چرا؟ برای اینکه درس

خوانده است و کارشناس است. فقیه ممکن است یکجایی اشتباه کند. بعضی از مراجع ممکن است فتوایشان برگردد. من پای درس مرجعی بودم که یک بحثی کرد و فردایش آمد گفت: من دیشب تحقیق و مطالعه کردم. نظر دیروز من برگشت. امروز نظر من این است. طوری نیست. بنابراین نصفش را من می‌گویم و نصفش را شما بگویید... فقیه عصمت ندارد ولی حرفش حجت هست. مثل دکتر که معصوم نیست ولی حرفش حجت است. اگر خواسته باشیم بگوییم: چون ممکن است اشتباه کند ما گوش نمی‌دهیم. خوب سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. سرباز به فرمانده‌اش می‌گوید: برو، بلکه تو می‌گویی: برو ولی ممکن است اشتباه کنی. ما نمی‌رویم! مریض به دکتر می‌گوید: ممکن است تو اشتباه کنی، فرصت را نمی‌خوریم. اگر بنا باشد به احتمال اینکه شاید اشتباه کند و گوش به حرف کسی ندهد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. یعنی هیچکس به هیچکس نمی‌تواند دستور بدهد. در هر اداره‌ای، هر استانداری، وزیری، وکیلی، مدیر کلی، دستور می‌دهد و به زیر دستی‌اش می‌گوید: بلکه، ممکن است اشتباه کنی پس من گوش نمی‌دهم. خوب هیچی. اما هرج و مرج می‌شود. این برای عقل، اما از نظر قرآن، من این را بارها گفتم. ولی باز هم چون نه دی بحث را گوش می‌دهید باید بگویم. یک صلواتی بفرستید. (صلوات حضار)

ه - حجت کلام عالمان دین در قرآن

این سوره مائده آیه ۴۴ یک آیه است برای ولایت فقیه است و حضرت موسی است. یعنی ولایت فقیه برای مسلمان‌ها هم نیست. پانصد سال قبل از اسلام عیسی بود. معلوم نیست چند صد سال قبل از عیسی، موسی بود. این برای حضرت موسی هم هست. سوره مائده آیه ۴۴ می‌گوید: «إِنَّا» را می‌دانید. «أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ» ما تورات را فرستادیم، در تورات هدایت و نور است. «يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ» طبق همین تورات انبیاء حکومت می‌کنند. بعد می‌گوید: «وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ» یعنی انبیاء طبق تورات عمل می‌کنند. «وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ» یعنی علماء، علما هم طبق تورات حکومت و داوری می‌کنند. ما تورات فرستادیم، «فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ» در تورات هدایت و نور است. «يَحْكُمُ» انبیاء بر اساس همین تورات حکومت می‌کنند، دیگر چه کسی؟ علماء. حکومت علما بر اساس کتاب آسمانی است. ولایت فقیه هم همین است. ولایت فقیه یعنی چه؟ یعنی حکومت مراجع دینی بر اساس کتاب آسمانی قرآن. پس حکومت علما بر اساس تورات، ولایت فقیه بوده در قرن‌های قبل. یکبار دیگر آیه را بخوانم. «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ» ما تورات فرستادیم. «فِيهَا هُدًى وَ نُورٌ» در تورات هم هدایت هست و هم نور. «يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ» انبیاء طبق همین تورات حکومت می‌کنند. بعد «وَ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَحْبَارُ» هم حکومت می‌کنند. حکومت علمای یهود بر اساس تورات ولایت فقیه است در قبل از اسلام. این هم دلیل قرآنی. دلیل روایی هم داریم. به ما گفتند: حوادث واقعه را به روایت احادیث مراجعه کنید. آنها حجت من بر شما است و من حجت خدا بر آنها هستم. روایت داریم در زمان غیبت حوادث را به فقیه مراجعه کنید. این دلیل عقلی و نقلی.

۶- عدالت، مانع بروز دیکتاتوری در ولی فقیه

ممکن است بگویید: تمرکز قدرت در یکجا سبب فساد می‌شود. آدم کم کم شاه می‌شود. وقتی همه قدرت‌ها را به ولی فقیه دادند، ولی فقیه ممکن است ذره ذره زورش زیاد شود و یک خصلت‌های منفی در فقیه ایجاد شود. می‌گوییم: بله. ولی فیلتر دارد. فیلترش این است که فقیه حتماً باید عادل باشد. یعنی گناه کبیره در عمرش نباید از این سرزده باشد. شما هم نباید گناه کبیره از او سراغ داشته باشی. عادل باید باشد. هوس هم نباید داشته باشد. اینکه می‌گویم نباید هوس داشته باشد حرف‌های خودم نیست. «مخالفاً لهواه» (بحار الانوار/ج ۲/ص ۸۸) یعنی فقیه هم باید با هوسش مخالف باشد، هم باید عادل باشد. اگر کسی عادل بود ظلم نمی‌کند. چون اگر ظلم کند از عدالت بیرون می‌رود. از عدالت بیرون برود اتوماتیک از رهبری می‌افتد. از مرجعیت هم می‌افتد. یک مرجع تقلید یک روز نماز صبح نخواند. یک مرجع تقلید یک دروغ بگوید. خلاص! نه دیگر مرجع تقلید نیست. پیشنهاد یک مسجد هم نیست. چون اسلام قلاب گذاشته است. بنابراین اگر رئیس جمهور زور پیدا کند، ممکن است ظلم هم بکند. شاه که زور پیدا کرد، ظلم هم کرد. آدم‌های عادی ممکن است زور پیدا کنند و ظلم هم بکنند. اما ولایت فقیه چون شرطش عدالت است و «مخالفاً لهواه» است. این عدالت و این «مخالفاً لهواه» این را بیمه می‌کند.

۷- شیوه درست انتقاد از مسئولان نظام اسلامی

سؤال: آیا می‌شود از بزرگان مثل ولی فقیه انتقاد کرد؟ بله. منتهی به چند شرط. در انتقاد اشکال و عیب قطعی باشد. حدس و شایعه و گمان نباشد. گاهی ما به کسی اشکال می‌کنیم بعد می‌بینیم اصلاً وجود خارجی ندارد. من این را نمی‌دانم شنیدید یا نه؟ یک بار یک نفر در تهران به من گفت: آقای قرائتی من به تو ایمان داشتم. ایمانم نسبت به تو از بین رفت. شما آخوندها اینطور کردید، آنطور کردید. مردم دورش جمع شدند و این هم هی مانور می‌داد. گفتم: بفرمایید. کجای کار من گیر دارد درستش کنم؟ گفت: آقا زاده شما چنین و چنان کرده است. گفتم: اصلاً زن من پسر نزاایده است. من بچه‌هایم دختر هستند. اگر اشکال می‌کنید ببینید واقعاً هست یا نیست. چون گاهی در یک چیزی موج می‌افتد و وجود خارجی هم ندارد. می‌گویند: زن یک دنده از مرد کمتر دارد. دروغ است. شما یک شب عمه‌ات را بخوابان و دنده‌هایش را بشمار. (خنده حضار) دنده‌های زن و مرد یکی است. می‌گویند: سیزده نحس است. دروغ است. حضرت علی سیزده رجب دنیا آمد. می‌گویند: با یک گل بهار نمی‌شود. دروغ است. امام حسین چند تا گل بودند، هزار و چهارصد سال موج انداختند. زن فرعون یک نفر بود ولی با همین یک گل بهار شد. ابراهیم یکی بود، با همین یکی بهار شد. پیغمبر ما وقتی در مدینه مبعوث شد، در مکه یکی بود. ولی بهار شد. با یک گل بهار نمی‌شود حرف غلطی است. داشتیم که با یک گل بهار شده است. پس اول حساب کنیم این اشکال هست یا حدس و شایعه است. بعضی‌ها عینکشان گیر دارد. عینک سرخ گذاشته، همه شلغم‌ها را لبو می‌بیند. عینکت خراب است. عینک سبز می‌گذارد و

همه کاه‌ها را علف می‌بیند. عینکت خراب است. اشکال باید وارد باشد. دوم اینکه هدف اصلاح باشد نه عیب جویی و رسوایی. بعضی‌ها یک عیب که می‌بینند هی اس ام اس می‌زنند، بد نیست برای فضای مجازی و اس ام اس یک چیزی بگویم. هر گناهی را انجام بدهی گناه است. نیت کنی گناه نیست. من نیت می‌کنم سیلی بزنم ولی تا نزنم گناه نیست. نیت می‌کنم دزدی کنم. تا دزدی نکنم گناه نیست. اما یک آیه در قرآن داریم، می‌گوید: همین که نیت هم کنی گناه داری. «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ» (نور/۱۹) «یحبون» یعنی خوشش می‌آید یک مؤمنی آبرویش بریزد. تا یک عیبی می‌بینیم فوری به دیگران منتقل می‌کنیم. از آقای الف عیبی دیدی؟ چرا عیب را به او منتقل می‌کنی؟ «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا» دوست دارد آبروی کسی ریخته شود. همین که دوست داری آبروی کسی بریزد همین عذاب الیم دارد. بنابراین اول باید عیب ثابت شود، دوم باید به قصد اصلاح باشد. نه عیب جویی و رسوایی. بر اساس خیرخواهی باشد نه برتری خواهی. مؤدبانه باشد و نه با توهین. این نه فقط برای فقیه، برای هر کس. از هر کس خواستیم انتقاد کنیم باید مؤدبانه باشد. خیرخواهانه باشد. غرض رسوایی نباشد. عیب حتمی باشد و حدس و گمان نباشد.

اثر سوپی بر قداست و جلالت و جایگاه نداشته باشد. گاهی ممکن است عیبی دارد ولی این عیب ضررش کمتر است از اینکه شما آبروریزی کنید. چون اگر انسان یک گناهی کند بعد از این گناه عکس بگیرد و پخش کند، پخش عکس از خود گناه بدتر است. یک کسی در حال گناه است. شما فیلم می‌گیری و آن کسی که نیم کیلو گناه کرده، شما که فیلم می‌گیری و پخش می‌کنی، بیشتر از او گناه می‌کنی. تکرار می‌کنم. اگر کسی گناهی را پخش کند، گناه پخش کردن او بیش از اصل گناه است.

هوشمندانه باشد، سبب سوء استفاده دشمن نشود. من از شما عیبی سراغ دارم اما اگر بگویم: «فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ» (اعراف/۱۵۰) حضرت هارون به حضرت موسی گفت: دیگران دارند ما را نگاه می‌کنند، مواظب باش زیر ذره‌بین هستیم. اگر مرا توبیخ کنی آبروی من برای همیشه می‌رود.

از طریق مجلس خبرگان باشد چون آنها نظارت بر فعالیت‌های رهبری دارند. اگر اشکالی هست به خبرگان بگوئیم: شما منتخب ما هستی. مسئول کارهای رهبر هستی. خبرگان مسئول کارهای رهبر هستند. یا جواب می‌دهند یا اطلاع می‌دهند. اگر بین فقیه و مراجع تقلید اختلاف بود، چه کنند؟ ولی فقیه یک فتوا دارد و مراجع تقلید یک فتوای دیگر دارد. اگر در مسائل فقهی هستند، هر کسی به مرجع خودش مراجعه کند. مسائل شخصی و نماز و روزه و مسائل فردی است، اما اگر مسائل حکومتی است باید حتی همه علما هم گوش به حرف ولی فقیه بدهند. چون گفتم دلیل عقلی داریم. اگر بنا باشد هر کسی یک چیزی بگوید، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. حرف آخر را باید یکی بزند.

امام حسین هم امام بود، اما تا مادامی که امام حسن امام بود، امام حسین هیچ نمی‌گفت. امام حسن امام امام حسین بود. ولی امام حسین امام امام حسن نبود. ده سال امام حسن امام بود و امام حسین مسئولیتی نداشت. امام هست و مسئول هم هست، ولی مسئول فعلاً امام حسن است.

در مسائل فردی هرکسی به مرجع خودش مراجعه می‌تواند بکند. در مسائلی که مربوط به نظام است، حسابش جداست.

چه تضمینی برای سلامتی راه فقیه داریم؟ چه تضمینی داریم این ولایت فقیه درست است؟ ۱- مردم، مردم به خبرگان رأی دادند. رأی مردم ارزش است. خود خبرگان باید مجتهد باشند و هرکدام هم شک دارند مجتهد هستند، باید امتحان بدهند. یعنی رأی مردم ارزش است. مجتهد بودن خبرگان ارزش است. شرط اینکه خبرگان باید کسی را تعیین کنند که «مخالفاً لهواه» باشد این ارزش است. اینها مسائلی است که باید بگوییم.

از امتیازات حکومت اسلامی همین ولایت فقیه است. رئیس جمهور را همه‌جا دارند. امتیاز ما این است که بالای سر رئیس جمهور کسی باشد که شرایطش از رئیس جمهور بیشتر و بهتر باشد. اعتماد مردم به او بیشتر باشد. قداست بیشتری داشته باشد. این برای ما ارزش است. الآن هم دنیای ما مشکلش ولایت فقیه است. کشورهای اسلامی زیاد هستند و همه هم رئیس جمهور دارند. آمریکا با اینها هیچ کاری ندارد. ولایت فقیه است که با یک فتوا و تصمیم می‌تواند دنیا را تکان بدهد و آمریکا از این وحشت دارد. ما هزار تا مجتهد داشته باشیم ممکن است آمریکا نترسد ولی یک امام خمینی داشته باشیم، آمریکا وحشت می‌کند. اگر عزت می‌خواهیم باید ولایت فقیه را تقویت کنیم. یک مقدار هم توقعات ما زیاد است. فکر می‌کنیم حالا که حکومت اسلامی است، می‌گوید: آقا من مشکل کشاورزی دارم، مشکل آموزش و پرورش دارم. بنا نیست مشکل‌ها حل شود. از وقتی انسان به دنیا آمد. با مشکلات هست تا آخر عمر، هیچوقت مشکلات تمام نخواهد شد. اینکه ما فکر کنیم حالا که ...

گاهی به من مراجعه می‌کنند آقای قرآنتی در تلویزیون بگو. می‌گویم: من معلم قرآن هستم. اگر خدا قبول کند. من پیاز را هم کیلویی یک قرآن نمی‌توانم ارزان کنم. آنکسی که «لَهُ الْمُلْكُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (ملک/۱) آن خداست. فرق خدا و دیگران این است، خدا «لَهُ الْمُلْكُ» ملک یعنی حکومت، حکومت دست خداست. «وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بر هر کاری هم قدرت دارد. هم حکومت دارد و هم قدرت دارد. مسئولین ما حکومت دارند. اما «وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» نیستند. این است که یک طور دیگر انجام می‌دهد. بنابراین یادم نمی‌رود آیت الهی در قم پیشنهاد بود. به خادم گفت: هوا سرد است درها را ببند. گفت: نه درها باز باشد بهتر است. گفت: بخاری را روشن کن. گفت: همینطور که هست بهتر است. هرچه این آقا به این خادم گفت: یک کلمه را گوش نداد. گفتیم: عجب آقایی است این بنده خدا فقط پیشنهاد است.

اینطور نیست که مثلاً شما بگویید: حالا که حکومت اسلامی شد دیگر مردم مشکل ندارند. قرآن می‌گوید: مردم به موسی گفتند: قبل از اینکه تو بیایی، ما درد سر داشتیم. بعد از تو هم درد سر داریم. «أَوَدِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا» (اعراف/۱۲۹) یعنی موسی قبل از آمدن تو مشکل داشتیم، بعد از آمدن تو هم مشکل داریم. بنا نیست ولایت فقیه مشکل را حل کند. راه باید درست باشد. خط باید خط درستی باشد.

شما نگاه کنید رئیس جمهورهای آمریکا برای انتخاب شدنشان چه کلماتی به هم گفتند و دست به چه کارهایی زدند؟ اینها رئیس جمهور هستند؟ حاضر هستند دست به هر کاری بزنند برای

اینکه رأی بیاورند. ما افتخار می‌کنیم که یکی از این کارهای غلط از مراجع یا ولی فقیه سر بزند برای همیشه مرخص است. ما خیلی ... دستمان را در دست کسی گذاشتیم که حتماً ملا است. حتماً بصیر است. حتماً عادل است. حتماً بی‌هوس است. بله ممکن است با وجود اینکه دستمان در دست چنین کسی است باز هم در جاده به سنگی بر بخوریم. باز هم در چاله و چوله بیافتیم. اما دست ما در دست یک آدم حسابی است.

«والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته»

«سؤالات مسابقه»

۱- بر اساس حکم عقل، در دوران غیبت، چه کسی صلاحیت اداره جامعه اسلامی را دارد؟

(۱) نزدیک‌ترین فرد به امام معصوم

(۲) فقیه عادل مخالف هوای نفس

(۳) هر دو مورد

۲- بر اساس سخن حضرت علی (علیه‌السلام)، نیاز ضروری جامعه چیست؟

(۱) حاکم عادل

(۲) حاکم؛ عادل باشد یا فاسق

(۳) عالم؛ عادل باشد یا فاسق

۳- برخورد حضرت علی (علیه‌السلام) با خوارج چگونه بود؟

(۱) حبس در زندان

(۲) سرکوب شدید

(۳) عفو و گذشت

۴- دلیل پذیرش سخن ولی فقیه و لزوم اطاعت از او چیست؟

(۱) عصمت فقیه

(۲) عدالت فقیه

(۳) فقاقت فقیه

۵- آیه ۴۴ سوره مائده، بر چه امری تأکید می‌کند؟

(۱) حکومت حضرت موسی بر اساس تورات

(۲) حکومت عالمان یهود بر اساس تورات

(۳) حکومت حضرت موسی و عالمان بر اساس تورات